

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۱۴، پیاپی ۹۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری پیشامشروطگی (مطالعه موردی کتاب مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون)

محمد سلماسی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۴

چکیده

ماطه‌وس خان ملیک یانس، از ارامنه ایران، در سال ۱۳۲۲ق. کتابی به‌نام مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون را تألیف کرد که نخستین اثر درحوزه تاریخ‌نگاری فارسی از ژاپن است. نویسنده در این کتاب کوشیده است علت‌های پیشرفت ژاپن را تحلیل و الگویی از پیشرفت را به ایرانیان عرضه کند. اثر ماطه‌وس از نخستین رویکردهای عقلانی درحوزه تاریخ‌نگاری پیشامشروطه است که در مقاله حاضر بدان پرداخته‌ایم.

وقایع‌نگاری، رویکرد غالب درحوزه تاریخ‌نگاری ایرانی تا دوران پیشامشروطه بوده است؛ اما در این دوره، برخی مورخان با گذر از نظریه‌های جبرگرایانه، مشیت الهی و نخبه‌گرایی، به دنبال کشف علل رویدادها و پدیده‌های تاریخی، و قرارداددن تبیین و تفسیر به‌جای نقل‌های

روایی و کسالت‌بار بودند. ایشان با اثرپذیری از روش‌های متداول در علوم جدید، رویکردی متفاوت به تاریخ‌نگاری را عرضه کردند که شامل تبیین‌های عقلانی و متکی بر دلایل (نه صرفاً علل) و فهم و تفسیر طرحواره‌ای از تاریخ بود. این گروه از تاریخ‌نگاران در آثار خود بر موضوعاتی مهم همچون ترقی و پیشرفت، و الگوهای آن تمرکز کردند و یکی از این الگوها ژاپن بود. مورخان در این عصر کوشیدند با مطالعه تاریخ این کشور و به دست دادن تبیین‌هایی عقلانی از دلایل پیشرفت ژاپن، سهمی در جنبش ترقی‌خواهی عصر خویش داشته باشند.

مسئله اصلی در این پژوهش، بررسی رویکردهای عقلانی در حوزه تاریخ‌نگاری پیشامشروطه است. در بسیاری از تاریخ‌نگاری‌های صورت گرفته در سال‌های پیش از صدور فرمان مشروطیت - که ما آن را به‌اختصار، تاریخ‌نگاری پیشامشروطه نامیده‌ایم - چنین رویکردی وجود دارد. از آنجا که بررسی نقادانه تمام این آثار در یک مقاله، امکان‌پذیر نیست، در مقاله حاضر، تنها در رویکردهای عقلانی یکی از این تاریخ‌نگاری‌ها بازنگری کرده و بدین منظور، با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - تبیینی، کتاب مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون را به‌عنوان نخستین اثر در حوزه تاریخ‌نگاری فارسی از ژاپن نقد و بررسی کرده‌ایم. تمرکز نویسنده، معطوف به تبیین جریان ترقی‌خواهانۀ این کشور و نیز نتایج و آثار آن بوده و فرضیۀ اصلی، بهره‌مندی مؤلف کتاب از تبیین‌های عقلانی است. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده است و مهم‌ترین نتایج پژوهش نشان می‌دهند در این کتاب می‌توان نمونه‌هایی از گذار از توصیفات صرف به تبیین‌های عقلانی را مشاهده کرد. چنین رویکردی به‌ویژه در تبیین جریان ترقی‌خواهی این کشور دیده می‌شود. انتقاد از وضع موجود و نیز تلاش برای کشف و عرضه زمینه‌ها و دلایل پیشرفت در این اثر، چشمگیر است و انواع تبیین‌های عقلانی در تاریخ‌نگاری ماطه‌وس خان ملیک یانس دیده می‌شود. نکته مهم‌تر، آن است که نقد جریان‌های تجددخواه در این عصر و عرضه الگویی ملی

برای حرکت ترقی‌خواهانه ایرانیان هم به فراخور سطح دانش و آگاهی مؤلف در این اثر دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری، عصر پیشامشروطه، تبیین‌های عقلانی، ترقی، تجدد، ژاپن.

۱. مقدمه

عقلانیت تاریخ‌نگاری بر آن است که رابطه‌ای عقلانی میان پدیده‌های تاریخی برقرار کند. این رابطه عقلانی عموماً از نظام علی و تلاش برای تبیین علت و معلول حاصل می‌شود؛ اما وجوه دیگری هم دارد؛ مانند تاریخ‌نگاری انتقادی، و شک و پرسش در برابر رویدادهای صرفاً نقل‌شده در تاریخ‌نگاری سنتی. تلاش برای یافتن مقصد تحولات تاریخی که همان پیشرفت و ترقی بشر و جوامع انسانی است، از این روی که به غایت و فایده^۲ تحولات تاریخی می‌پردازد، از تبیین‌های عقلانی به حساب می‌آید. دوری از تئوری‌های جبرگرایانه و مشیت‌گرایانه در تحلیل کلیت تاریخ و تأکید بر نقش عوامل انسانی در شکل‌گیری روندهای تاریخی، رویکردی عقلانی به تاریخ است. تلاش برای درک کلیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تاریخ هر کشور و تبیین نقش هریک از این موارد در

۱. معنای علت و معلول در علوم اجتماعی و از جمله تاریخ با مفهوم رایج آن در علوم طبیعی تفاوت دارد. در علوم طبیعی، غالباً می‌توان علت را از معلول به صورت کلی متمایز کرد و گفت «آ» علت و «ب» معلول است؛ اما در علوم اجتماعی، محققان بیشتر ترجیح می‌دهند از تأثیر و تأثر متقابل پدیده‌های اجتماعی سخن بگویند؛ مثلاً در مثال یادشده می‌گویند: «آ» در پیدایش «ب» تأثیر دارد و درعین حال، خود از آن اثر می‌پذیرد؛ مثلاً در تاریخ معاصر ایران می‌توان از تأثیر متقابل خودکامگی سیاسی و نبود امنیت اجتماعی سخن گفت. خودکامگی سیاسی در پیدایش ناامنی اجتماعی اثر می‌گذارد و درعین حال، خود از جانب آن بازتولید می‌شود. این تأثیر و تأثر متقابل را می‌توان تبیین و ابستگی متقابل یا تبیین کارکردی دو پدیده اجتماعی نامید. این‌ها اصطلاحاتی هستند که معرفت‌شناسان ترجیح می‌دهند به جای مفهوم علت از آن استفاده کنند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: بودن و بوریکو، ۱۳۸۵: ۴۷۰.

۲. به گفته استنفورد، مورخ همواره باید دو هدف بزرگ و متمایز را پیش‌روی داشته باشد: اول، وفاداری به واقعیت پدیده‌های تاریخی که به ذهن خواننده القا می‌کند؛ یعنی انتخاب مفاهیم و روایت‌های واقعی و نه افسانه‌سازی؛ دوم، ذهن خواننده را متوجه پدیده‌هایی کند که ارزش تأمل کردن دارند؛ یعنی ارزش واقعی و روایت خود را یادآوری کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۶).

شکل‌گیری کلیت روندهای تاریخی یک ملت را می‌توان رویکردی عقلانی به تاریخ دانست. آگاهی از نقش اقلیم و موقعیت جغرافیایی^۱ در پیدایش حوادث تاریخی، تلاش برای تبیین جریان کلی آن به کمک این عوامل طبیعی، و دوری از عوامل غیرطبیعی و غیر قابل سنجش متافیزیکی در تحلیل رویدادهای تاریخی را هم می‌توان از وجوه عقلانیت تاریخی به حساب آورد.

در عصر پیش از صدور فرمان مشروطیت - که در این پژوهش، از آن با عنوان «پیشامشروطگی» یاد می‌شود - و هم‌زمان با شکست خوردن روسیه از ژاپن در سال ۱۹۰۵م. و درج اخبار آن در ایران، موجی جدید از جریان اصلاح‌طلبی و بهبودخواهی با هدف الگو قرار دادن ترقی ژاپن آغاز شد. اطلاعات ایرانیان از ژاپن و پیشرفت‌های آن با آگاهی روشنگران ایرانی مقیم خارج از کشور از جریان نوسازی این کشور آغاز شد و با چاپ مقالاتی در روزنامه‌های ترقی‌خواه مانند *حبل‌المتین* گسترش یافت. نخستین سیاحان ایرانی هم در همین هنگام به ژاپن رفتند و از معجزاتی که فناوری و دانش در آن کشور آسیایی ایجاد کرده بود، اخباری را منتشر کردند.^۲ دو سال پیش از صدور فرمان مشروطیت، ماطه‌وس خان ملیک یانس با ترجمه برخی کتب خارجی، اولین کتاب فارسی درباره تاریخ ژاپن را منتشر کرد و آن را *مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون* نامید.

نویسنده این کتاب تلاش کرده است ترقی‌خواهی و پیشرفت ژاپنی‌ها را با گذار از تاریخ روایی و افسانه‌ای این کشور، و توجه به دلایل واقعی و عقلانی آن کشف و تبیین

۱. با تأکید بر واژه «نقش» خاطر نشان می‌کند منظور مؤلف، اتکای صرف به نظریات اقلیم‌گرایی، و مطلق و تک‌وجهی‌انگاشتن یافته‌های آن در تبیین‌های تاریخی نیست.

۲. در عصر پیشامشروطگی، نخستین ایرانی‌ای که به ژاپن سفر کرد، میرزاابراهیم صحاف‌باشی بود. او سوادگری بود که برای فروش جواهرات، راهی دریاهای دور شد و از راه غرب و با گذر از اروپا و آمریکا به ژاپن رفت، سرانجام در روز دوشنبه شانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۱۵ق. / پانزدهم اوت ۱۸۹۷م. به بندر یوکوهاما در ژاپن رسید و ۴۸ روز در این کشور ماند (رجب‌زاده، ۱۳۷۱: ۹۵). شش سال بعد (۱۳۲۱ق. / ۱۹۰۳م.)، مهدی‌قلی‌خان هدایت در رأس هیئتی، از راه مسکو و سبیری به چین و ژاپن رفت، از بندرهای آن کشورها دیدن و با سیاستمدار برجسته به نام ایطو دیدار کرد و به حضور امپراتور ژاپن رسید. هدایت حتی پیش از سفر به ژاپن، درباره این کشور مطالعه کرد و با دیده‌ای تیزبین و روشن‌نگر به تجزیه و تحلیل رویدادهای آتی پرداخت. وی در آغاز سفر، در مسکو، دو کتاب درباره ژاپن خریداری و مطالعه کرد (سلماسی‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۲).

کند. ترقی ژاپنی از آن روی که می‌توانست در عین بهره‌مندی از دانش و فناوری غرب در برابر زیاده‌خواهی‌های ایشان ایستادگی و بر اصول ملی پافشاری کند، از بخت و زمینه‌ای مناسب برای پذیرش عمومی در ایران هم برخوردار بود. این مدل همچنین می‌توانست تلخ‌گامی تحقیر شرقی به دست غربی را به شیرینی غلبه یک کشور آسیایی بر یک ابرقدرت اروپایی تبدیل کند و با حفظ آداب و رسوم ملی در مهار بحران‌های اجتماعی ناشی از نوسازی غربی، موفق شود.^۱

۲. پیشینه تحقیق

با مطالعه سایت‌های اطلاع‌رسانی، و از جمله سایت پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^۲، پایگاه اطلاعات علمی^۳، کتابخانه ملی ایران، مگ‌ایران، نورمگز و سیویلیکا پژوهشی با رویکرد مقاله حاضر یافت نشد.

۳. رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری

رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری به معنای اتکا به عقل در این زمینه است. مراد از عقل، قوه ادراک معانی کلی و دریافت مناسبات میان اشیا و امور است. به‌طور کلی، عقل به معنای استدلال یعنی استنباط و استخراج فروع و نتایج از اصول و مقدماتی است که بانام اصول عقلانی از آن‌ها یاد می‌شود (فولکیه، ۱۳۶۶: ۸۰). این اصول عبارت‌اند از: علیت^۴، عدم تناقض^۵، هویت^۱ و غایت^۲.

۱. مراحل مدرن‌سازی با تحرک شدیدی که همراه دارند، غالباً دوره‌های گسیختگی و نابسامانی‌اند که طی آن‌ها شدت رقابت‌ها و کشمکش‌ها جامعه را به سمت غیراخلاقی شدن و بحران‌های اجتماعی سوق می‌دهد (بودن و بوریگو، ۱۳۸۵: ۶۲۳).

2. Irandoc

3. S. I. D.

۴. یعنی اینکه هر تغییری را علتی است یا آنکه هر حادثی علتی دارد (همان: ۹۳).

۵. یعنی اینکه یک چیز نمی‌تواند در آن واحد هم باشد و به دیگر سخن، اجتماع و ارتفاع نقیضین، محال است (همان: ۹۴).

مکاتب تاریخ‌نگاری^۳ که پایبند به این اصول باشند، در واقع، مدعی‌اند در تاریخ نیز مانند جهان خارج، هر پدیده‌ای معقول و منطقی است؛ یعنی هر امری جهت و علتی دارد که می‌توان آن جهت و علت را با عقل و منطق تبیین کرد. از این منظر، رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری به معنای گذر از مرحله توصیفات صرف و پای‌نهادن در مسیر تحلیل و تبیین است.

به گفته اتکینسون^۴، یکی از مایه‌های اعتبار مورخان علاوه بر توصیف و روایت، خلق و ارائه تبیین‌هایی است که علی‌باشند؛ یعنی تلاش برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های مربوط به چرایی، چگونگی و چیستی پدیده‌های تاریخی. چنین تحلیل‌هایی هم عقلانی است و هم قانونمند و مفید؛ زیرا به علت^۵ و عقل^۶ تکیه دارد (اتکینسون و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۸).

معرفت تاریخی با اتکا به رویکردهای عقلانی می‌تواند یافته‌هایی قابل‌تعمیم را به وجود آورد که اساس معرفت علمی شمرده می‌شوند. امتیاز چنین معرفتی، آن است که به‌شکلی بسیار متمرکز پدید می‌آید و انتقال، حفظ و کاربرد آن، آسان می‌شود (استنفورد، ۱۳۹۲: ۱۸۳)؛ بدین ترتیب می‌توان گفت رویکرد عقلانی به تاریخ به معنای تبیین علی تاریخ است. تبیین‌های تاریخی، شامل فرموله، تعمیم‌پذیر و قانونمند کردن (البته در دامنه محدود) دریافت‌های تاریخی است. بیان ویژگی‌های نسبتاً وسیع و فراگیر رویدادهای تاریخی از موارد پیشنهادی برای تبیین تاریخی است و درک، استنباط و تبیین همه این مراحل به کمک عقل صورت می‌گیرد. برخی از این رویکردهای عقلانی، همان تبیین‌های علی

۱. هويت، صفتی است که موجب می‌شود که چیزی عین چیز دیگر نباشد؛ بلکه هر چیزی خودش باشد. چیزی که هست، هست. الف، الف است. این اصل اثبات می‌کند مفاهیم منطقی، ثابت‌اند؛ یعنی یک لفظ از ابتدا تا انتهای یک استدلال، معرف مفهوم واحد است (همان: ۸۹-۹۰).

۲. یعنی اینکه هر چیزی را غایتی است. غایت‌داشتن، وصف ذاتی هر موجود و هر فعالیتی است. به گفته ارسطو طبیعت هیچ چیز باطل و بی‌کار نکند (همان: ۹۴).

۳. مانند مکتب آنال که پیروان آن با گرایش به رویکرد ساختاری- کارکردی از پیشگامان رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری بودند. هدف ایشان کشف عناصر کلی جوامع بشری و تبیین نقش بالفعل نهادهای اجتماعی بود که همگی به مدد عقل انجام می‌شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: استنفورد، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

4. R. F. Atkinson

5. Cause

6. Reason

هستند که با گذر از مرحله‌ی روایی و توجه به علت و غایت انجام می‌گیرند. حتی اگر تبیین‌های علی به ارائه‌ی قانون کلی منجر نشود، از این منظر که به علت توجه کرده است، رویکردی عقلانی خواهد بود (Graham Macdonald and Cynthia Macdonald, 2009: 140).

تبیین‌هایی که یک پیامد یا الگویی کاملاً معین در تاریخ را واکاوی می‌کنند، رویکردی عقلانی‌اند. چنین تبیین‌هایی می‌توانند نظم‌های علی (حداقل نظم‌های محدود دامنه) را در تاریخ کشف و ارائه کنند (اسکاچپول، ۱۳۹۲: ۵۱۵)؛ درست مانند همان کاری که نویسنده کتاب مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون در تبیین الگوی پیشرفت ژاپنی و پیامدهای آن انجام داده است.

در نوشته‌های ملیک یانس می‌توان چنین رویکردهایی را دید. تلاش این نویسنده برای تبیین دلایل پیشرفت ژاپن، سودمندی و غایت آن، و اثبات عینیت تکرارپذیر قوانین ترقی، همه متکی به همان اصول عقلانی پیش گفته است. این اصول ثابت می‌کنند ترقی و پیشرفت ژاپن، واقعی است عینی (اصل هوویت)، دارای علل (اصل علیت)، هدفمند و جهت‌دار (اصل غایت)، و ناسازگار با روش‌های منحط پیشینی (اصل تناقض) در این کشور.

در عین حال، رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری به دلیل اطلاق و کلیت عقل می‌توانند الگوهایی از پیشرفت و ترقی را برای دیگر کشورها نیز ترسیم کنند که قابلیت تعمیم و تکرار داشته باشند. ملیکیانس در مقدمه کتابش آشکارا بر این مسئله تأکید کرده است.^۱

۱. تا اگر ارباب‌خبرت و بصیرت به نظر عبرت در آن نگرند و ملاحظه نمایند که در این مدت قلیل از برکت علوم و صنایع و اتفاق و اتحاد و کوشش و اقدامی که درباره‌ی وسایل ترقیات ملتی و دولتی خویش به جا آورده‌اند، چگونه محیرالعقول اهل عالم، و موجب رشک و تحسین و تمجید ابنای آدم گشته‌اند. این بنده خیرخواه با وجود کمی وقت و قلت فرصت، این زحمت را با خود روا داشتم؛ به این امیدواری شاید هموطنان عزیزم، یعنی اهالی خطه‌ی ایران مینوشان سر از خواب غفلت برداشته، از این پس، دیده‌های فروخته را باز و جنبشی آغاز کنند و تاسی به همسایگان مترقی خود نمایند و عظمت و بزرگی اسلاف و پیشینیان نامدار خویش را به خاطر آورند و برای رسیدن به سربلندی و افتخار، و طلب شوکت و اقتدار گذشته خود، دست رجا به دامن عروۃ‌الوثقیای علوم و صنایع و پای طلب در جاده‌ی مستقیم تمدن و تربیت گذارند تا مگر آب رفته را به جوی باز آرند (مقدمه کتاب: ۱-۲).

۴. ژاپن جدید

ژاپن در نیمه سده نوزدهم، پس از ۲,۵ قرن حاکمیت خاندان توکوگاوا^۱ که به نام امپراتور و به کام سپهسالاران^۲ و خوانین محلی^۳ بود، با وضعی دشوار روبه‌رو شد. رکود، خمودگی، انزوا و نابسامانی‌های داخلی، این کشور را از نظام کهن خود ناامید کرد و تهدید ناوهای جنگی آمریکایی، به گشایش بندرهای ژاپن به‌روی اجناس و افکار جدید منجر شد. این مسئله دست کم با خواست گروهی از حاکمان آن که شیفته صنعت پیشرفته غرب بودند، همراه شد و ناآرامی در داخل و فشار از خارج، این کشور را به تغییر و اصلاح واداشت. منازعات قدرت میان خوانین ژاپنی با حمایت نیروهای غربی، به تأسیس حکومت مرکزی در این کشور و کنار گذاشتن شوگان‌ها منجر شد، خاندان توکوگاوا به‌طور کامل از قدرت کنار گذاشته شد و امپراتور موتسو هیتو^۴ که بعدها میجی^۵ نام گرفت، از سال ۱۸۶۸م. نظامی تازه و نظمی نوین در این کشور باستانی شرق آسیا ایجاد کرد.^۶ او در طول سال‌های امپراتوری‌اش (۱۸۶۸-۱۹۱۲م.) به حکومت هفت صدساله نظامیان تیول‌دار^۷ پایان داد، اداره فردی ژاپن را در دست گرفت و محدودیت‌های بازرگانی خارجی را لغو کرد. در همین دوران، ژاپنی‌ها شیوه‌های زیادی را از غرب آموختند، ارتش نوین به‌سبک آلمانی شکل گرفت و نیروی دریایی به‌روش بریتانیا تأسیس شد، حکومت مرکزی دیوان‌سالار تشکیل شد و طرح‌های مهم صنعتی درپیش گرفته شد، قانون اساسی نوین وضع (۱۸۸۹م.) و نظام انتخابات دو مجلسی برپا شد. نیمه دوم این عصر با توسعه‌طلبی ارضی ژاپن، همراه شد که

1. TOKUGAWA

۲. شوگان‌ها (Shoogunate)

۳. دای میوها یا اربابان فئودال (Daimyoo)

4. Mutsuhito

5. MEIGI (به معنای ترقی و پیشرفت)

۶. برگرفته از: یوشیدا، ۱۳۷۳: ۹-۱۲.

۷. از اواخر قرن دوازده میلادی تا نیمه دوم قرن نوزده، حکومت توکوگاوا به‌دست ای‌یه یاسو با لقب معروف شوگون به معنای سپهسالار، به قدرت رسید. شوگون‌ها به‌ظاهر از جانب امپراتور منصوب می‌شدند، و به‌نام او بر کشور حکومت می‌کردند؛ اما در واقع، تمام اختیارات کشور در دست ایشان بود و حتی انجام مراسم مذهبی امپراتور به اراده شوگون بستگی داشت (بنه دیکت، ۱۳۷۱: ۷۸ و ۸۹).

مظهر آن، نفوذ به کره و منچوری و نیز پیروزی در جنگ روسیه با ژاپن در سال ۱۹۰۴-۵م. بود.

در عین حال، نوسازی ژاپن را نمی‌توان تنها در گرو اقدامات فردی امپراتور دانست. نخبگان ژاپنی در این فرایند مشارکت فعال داشتند^۱ و بسیاری از ایشان پیش از امپراتور، آرا و افکار خود را تغییر دادند. مشهورترین ایشان هیرو بومی ایتو^۲ بود که در سال ۱۸۸۵م. نخست‌وزیر شد و نخستین کابینه ژاپن را تشکیل داد (پالمر، ۱۳۸۷: ۳۲۶). او رهبر جنبش غرب‌گرایی بود که در سال ۱۸۶۳م. به بریتانیا اعزام شد و در بازگشت به ژاپن، ایده پذیرش الگوهای حکومتی بریتانیا بر اساس شرایط ژاپنی‌ها را پروراند.^۳

دیگر نخبگان سیاسی جامعه ژاپن^۴ نیز از سال ۱۸۶۸. در قالب نمایندگان ولایات، مجلس مشورتی تشکیل دادند و میثاقنامه‌ای را که نیات و فلسفه بنیادی حکومت جدید بود، تصویب کردند. امپراتور پذیرفت که به مردم‌سالاری^۵، آزادی، منافع ملی و تغییر و اصلاح^۶، پایبند باشد و مردم ژاپن قبول کردند عادات پست گذشته را کنار بگذارند و شیوه‌های مترقی را جایگزین آن کنند. ترقی‌خواهی ژاپنی از پارادوکسی زیبا و پویا برای

۱. در طول دوران میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲م.) بیش از هزار ژاپنی برای آموزش به غرب اعزام شدند، حدود چهل درصد از ایشان به آمریکا رفتند و در آنجا به آموختن تکنولوژی، تجارت و صنعت مشغول شدند. یک‌سوم آن‌ها هم به بریتانیا اعزام شدند و علوم مهندسی، صنعت و تجارت را فراگرفتند. کسانی که به فرانسه رفتند، به علم حقوق و مسافران آلمان به علوم سیاسی و پزشکی روی آوردند. در همین دوران، حدود چهارهزار کارشناس خارجی که به ماشین‌های زنده معروف شدند، به کار آموزش ژاپنی‌ها و صنعتی کردن این کشور مشغول بودند (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۳۰).

2. Ito Hirobomi

۳. او در سال ۱۸۷۱م. به سفر دوساله دور دنیا رفت. مجموعاً تا سال ۱۹۰۱م. ده سال به‌تناوب نخست‌وزیر شد و تشکیل نخستین پارلمان ژاپن در فوریه ۱۸۹۰م. عمدتاً در سایه تلاش وی صورت گرفت و نوسازی ناوگان ژاپن، مدیون زحمات او بود (پالمر، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

۴. بسیاری از دایمیوها یا اربابان فئودال و نیز مقامات پایین‌تر می‌توانستند از عقاید علمی و فناوری غرب به‌انتخاب خود و نه به‌اجبار بهره‌برداری کنند. اینان تمایل نیرومندی را بر این اساس در ذهن خود پروراندند که شعارش این بود: «اگر چیزی به‌نفع ماست یا می‌تواند باشد، از آن استفاده کن» (آدلر، ۱۳۸۴: ۵۸۹).

۵. ماده یک این میثاقنامه از برپایی «مجامع مشورتی به میزان وسیع» و حل مسائل با بحث و تصویب عمومی سخن می‌گفت (مرتون، ۱۳۶۴: ۱۹۰).

۶. در همین سند، امپراتور توصیه کرد ژاپن «نگاه قورباغه‌وار به جهان از ته چاه» را کنار بگذارد و به‌جای آن از خارجی‌ها بیاموزد و «بهترین اصولشان را اخذ و کاستی‌های خود را جبران کند» (بیزلی، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹).

پیشبرد اهدافش بهره‌مند شد و گرایش به تجدد درعین وفاداری به آیین باستانی شینتو و میراث و فضایل ملی مورد تأکید قرار گرفت. همین اصول، پایه و مایه پیشرفت و ترقی شگفت‌انگیز و سریع ژاپن در سده بیستم را فراهم آورد^۱.

موتسوهیتو در سال ۱۸۷۲م. هم‌زمان با توسعه راه آهن، آزادی تجارت و دیگر وجوه صنعتی شدن، بر اهمیت آگاهی عمومی، آموزش همگانی و آزادی مطبوعات تأکید کرد (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۴). کمی بعد، فرمان مشروطیت در سال ۱۸۸۱م. صادر شد و با دوران‌دیشی و برای آمادسازی مقدمات نظام پارلمانی اعلام شد نخستین مجلس ملی این کشور پس از مطالعه قوانین اساسی کشورهای پیشرفته اروپایی و آشنایی با مجالس ایشان، نه سال بعد افتتاح خواهد شد؛ به همین منظور، سه هیئت به اروپا اعزام شد: گروه نخست به مطالعه قانون اساسی و دیگر قوانین کشورها پرداخت، گروه دوم بر امور مالی، تجارت، صنعت و ارتباطات تمرکز کرد و گروه سوم به آموزش و پرورش پرداخت. اطلاعات نظامی هم از جانب همه گروه‌ها جمع‌آوری شد. هیئت از کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه، بلژیک، هلند و آلمان دیدار و با مقامات این کشورها همچون بیسمارک ملاقات کرد. از ادارات دولتی، تأسیسات نظامی، پارلمان‌ها، دادگاه‌ها، کلیساها، موزه‌ها، مدرسه‌ها، بانک‌ها و کارخانه‌های مختلف دیدن کرد. دستاوردهای این سفرها در قالب مجموعه‌ای از حقایق و آرا در سال ۱۸۷۸م. در قالب پنج جلد منتشر و به ژاپن اهدا شد که رهنمودی برای نوسازی همه‌جانبه براساس سبک غرب شد (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۲۸-۱۲۹).

سرانجام در یازدهم فوریه ۱۸۸۹م. با افتتاح مجلس، روزی فرارسید که در تاریخ به‌عنوان روز بنیاد امپراتوری ژاپن شناخته می‌شود (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۶).

۵. مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون

دو سال پیش از صدور فرمان مشروطیت، ماطه‌وس خان ملیک یانس با ترجمه برخی کتب خارجی، اولین کتاب فارسی در تاریخ ژاپن را منتشر کرد و آن را مملکت شمس طالع یا

۱. مردم ژاپن برخلاف مردم چین، مصمم ماندند تا کاملاً در غرب، مستحیل نشوند؛ برعکس نشان دادند اقتباس‌کنندگان بسیار مطمئن به خود هستند و اگر چیزی را مفید تشخیص دهند، می‌پذیرند و آن چیزی را طرد می‌کردند که سودی برایشان نداشت (آدلر، ۱۳۸۴: ۵۸۹).

دولت ژاپون نامید (ملیک یانس، ۱۳۲۲ق.^۱). وی در سال بعد (۱۳۲۳ق.) کتابی هم برای آموزش ابتدایی دانش‌آموزان تهرانی تألیف کرد و نام آن *رانخست‌نامه* گذاشت (سپهر، ۱۳۸۶: ۲/ ۸۵۹).

ماطه‌وس در سال ۱۲۵۴ش. / ۱۸۷۵م. در همدان متولد شد. وی در تهران به مدرسه رفت و پس از طی دورهٔ مدرسهٔ هایگازیان، وارد کالج آمریکایی شد. او پس از فارغ‌التحصیل شدن، چون از شاگردان ممتاز بود، به درخواست مسئولان کالج، در آن مؤسسهٔ آموزشی به تدریس پرداخت. پس از دو سال تدریس به استخدام وزارت مالیه درآمد و در ادارهٔ خزانه، مشغول کار و ملقب به ماطه‌وس خان شد. او به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و ارمنی تسلط کامل داشت و از این زبان‌ها کتاب‌هایی برای استفاده در مدارس ارمنه ترجمه می‌کرد. در سال ۱۹۲۲م. از سوی وزارت معارف، براساس نظامنامهٔ نشان علمی، نظر به لیاقت، به ماطه‌وس خان، یک قطعه نشان طلا داده شد؛ همچنین نشان درجهٔ دو شیر و خورشید از جانب احمدشاه قاجار به وی اعطا شد.

افزون‌بر کتاب *مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون*، ماطه‌وس کتاب‌های دیگری نیز ترجمه کرد که از جمله آن‌ها می‌توان کتاب *مارگو* از زبان فرانسه به فارسی را نام برد. این اثر مورد توجه وزارت معارف قرار گرفت و طی بخشنامه‌ای به همهٔ معلمان فرانسه دستور داده شد آن را مطالعه و در مدارس از آن استفاده کنند.

در سال ۱۳۱۵ش. / ۱۹۳۶م. به دستور رضاشاه پهلوی، مدارس ارمنیان در سراسر ایران بسته شد و ماطه‌وس هم که مدیر مدرسهٔ ارمنیان تهران بود، زندانی شد. او از زندان، نامه‌ای به مقامات دولتی نوشت و تقاضا کرد به اتهامش رسیدگی شود. ماطه‌وس در نامه‌اش متذکر شده بود: «به مملکت و معارف خدمت کرده، مدرسه درست کرده، کتاب نوشته و همیشه شرافتمند زندگی کرده و شاگردانی تربیت نموده است». رضاشاه با آزادی او موافقت کرد؛ ولی مختاری، رئیس شهربانی با آزادی ماطه‌وس خان مخالف و ورزید و بدین سبب، او را به زندان قصر بردند. وی در زندان به زندانیان، فرانسه و انگلیسی می‌آموخت و در عین حال

۱. این کتاب به شمارهٔ ۲۹۷۶۵ در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی در بخش کتب چاپی و از مجموعهٔ کتب اهدایی سید محمدصادق طباطبایی ثبت شده و نگارنده از همین نسخه استفاده کرده است.

از یکی از زندانیان، آلمانی یاد می‌گرفت. با سقوط رضاشاه در سال ۱۹۴۱. ماطه‌وس همراه دیگر زندانیان آزاد شد؛ ولی پس از هشت ماه درگذشت (هوویان، ۱۳۸۰: ۴۱۱-۴۰۸؛ لازاریان، ۱۳۸۲: ۹۷؛ هاروتونیان، ۱۳۹۲).

هدف از ترجمه و تألیف این کتاب به تصریح نویسنده آن، آگاه کردن هموطنان از تاریخ ژاپن و «چگونگی سرعت ترقیات این مملکت شگفت‌انگیز است تا ایران مینونشان سر از خواب غفلت بردارد و از ایشان الگو گیرد و ترقی کند (مقدمه کتاب، ۱-۲). وی اشاره‌ای به منابع کتاب خود نمی‌کند؛ اما با مقایسه محتوای کتابش با منابع معتبر تاریخی می‌توان از صحت و سقم اطلاعات ارائه‌شده در این کتاب، اطمینان حاصل کرد.

یکی از پژوهشگران (بروجردی، ۱۳۸۹: ۸۰. به نقل از: عابدی، ۱۳۹۲: ۱۰۹)، تألیف ملیک یانس را سفرنامه و کتاب را حاصل سفر وی به ژاپن دانسته است؛ اما در کتاب و نیز در دیگر مستندات تاریخی، شواهدی برای اثبات چنین مدعایی وجود ندارد؛ از این روی، اثر وی را باید ترجمه‌ای آزاد و برگرفته از کتب متعددی دانست که با توجه به تسلط ماطه‌وس به زبان‌های انگلیسی و فرانسه فراهم آورده است.

در بخش‌های زیادی از کتاب ماطه‌وس، افزون‌بر توصیف، تحلیل و تبیین^۱ تاریخی دیده می‌شود که بیانگر رویکردهای عقلانی وی است. مؤلف در ۱۴۳ صفحه کوشیده است تبیین‌هایی علی^۲ و تفسیری^۳ از تاریخ ژاپن و نیز پیشرفت و ترقی آن ارائه کند. این تبیین‌ها

۱. توصیف (Description) به معنای بیان ویژگی‌ها، اشتراکات و همانندی‌های مسئله مورد مطالعه با دیگر مسائل است. در واقع، توصیف، ویژگی‌ها، حالات، علائم، خواص و دیگر متعلقات چیزی را که باید وصف شود، برمی‌شمارد تا تمایز آن با چیزهای دیگر را روشن کند؛ پس شناخت توصیفی، مجموعه‌ای از گزاره‌هایی است که می‌کوشد از چستی یک شیء خبر دهد؛ اما تبیین (Explanation) یعنی آشکار کردن چرایی یک چیز و نشان دادن علل پدیدار شدن آن و شرایط هستی‌اش. «تبیین» در لغت به معنای هویداشدن، هویدا کردن، بیان کردن و آشکار کردن است؛ پس در تبیین، توصیف کم نمی‌شود؛ بلکه غنا می‌یابد. تبیین به معنای مرتبط کردن اموری به یکدیگر است که قبلاً مستقل شمرده می‌شدند. معنای دیگر تبیین، عقل‌پسند کردن یک رویداد تاریخی است. در تبیین، حداقل دو کار مهم باید صورت گیرد: نخست، ایکه حادثه تبیین شود و دوم، اینکه ارتباط بین وقایع هم نشان داده شود تبیین با این اقدامات بین حوادث پراکنده، ارتباط برقرار می‌کند و تشویش را به مدد عقل به اطمینان تبدیل می‌کند (مفتخری، ۱۳۸۹: ۴).

2. Causal Explanation

3. Interpretive Explanation

به دو گونه صورت می‌گیرد: یکی علی و دیگری تفسیری؛ به دیگر سخن، یکی چرایی را تبیین می‌کند و دیگری چگونگی را؛ مثلاً دربارهٔ عصر میجی، تبیین علی او معطوف است به رویدادها و شرایط مقدم بر عصر میجی؛ اما رهیافت تفسیری او هم این مسائل را تبیین می‌کند: ویژگی‌های این عصر چه بود؟ آیا پیروزی طبقهٔ نوبورژوازی ژاپن بود؟ آیا مرگ نظام فئودالیسم شوگانی بود یا زایش حکومت مطلقهٔ امپراتور؟

اهمّ مواردی که وی به تبیین آن‌ها پرداخته، عبارت است از: حالت سابق و وضع کنونی ژاپن، اخلاق و عادات اهالی، هنر و صنایع دستی، مدارس و علوم و اختراعات و مطبوعات ژاپن، تجارت، دین و آیین، شهرها و بندرهای بزرگ، نفوذ انگلیسی‌ها، تاریخ ژاپن و اصلاحات جدید آن، امپراتور، قشون، و جنگ با روس.

کتاب با تاریخ اسطوره‌ای ژاپن آغاز می‌شود و با جنگ این کشور با روسیه پایان می‌یابد. نویسنده در تحلیل دلایل پیشرفت ژاپن به موارد متعددی اشاره می‌کند؛ از جمله: کار و تلاش همراه با قناعت^۱، احترام به زنان و خانواده^۲، آموزش دادن زنان و دختران^۳، اخلاق ملایم و دور از خشونت همگان^۴، ترجیح دادن مصالح ملی بر منافع فردی^۵، گسترش مدارس جدید^۶، توجه به دانش‌های جدید و علوم کاربردی^۱، گسترش اختراعات و

۱. ژاپنی سخت کار می‌کند و بسیار قناعت دارد. در کارخانه‌ها چهارده تا شانزده ساعت به اندک مزدی (ده تا پانزده شاهی) با دقت و وسواس یک هنرمند و با سرعت و چالاکی به کار، مشغول است و خوراک روزانه و محدود او غالباً از ریشهٔ نباتات است (۲۷).

۲. برخلاف مشرق‌زمینیان، ایشان به زنان و فرزندان خود احترام می‌گذارند و هرگز ایشان را تنبیه نمی‌کنند یا تحکم نمی‌ورزند. زنان ایشان مانند زنان اروپایی آزادند؛ اما در عین حال از شوهرانشان اطاعت محض دارند (۳۰-۳۱).

۳. تعلیم اجباری زنان و دختران، سبب شده است ایشان همگی باسواد و دارای هنرهای مختلف زندگی باشند (۳۲).

۴. مؤلف، کشور ژاپن را «وادی خنده‌رویان و اقلیم خوش‌خویان» معرفی کرده و نوشته است: «اهالی ژاپن، مهربان و ملایم و دور از خشونت هستند. حتی در زبان ایشان الفاظ رکیک و فحش وجود ندارد و منتها کلمه‌ای که در سبب کسی بگویند، "لاک‌پشت" است و این از آن روی است که ایشان همیشه با گل و لاله مشغول‌اند» (۴۵-۴۶).

۵. عشق بوطن و جان‌باختن در راه آن، بزرگ‌ترین صفت ایشان است و در راه ترقی کشورشان از جان و مال مضایقه ندارند (۴۶-۴۸).

۶. در همهٔ ژاپن حتی دهات آن، مدرسه وجود دارد و حتی یک بی‌سواد در این کشور نیست. برنامهٔ این مدارس جدید از کشورهای آمریکا و اروپا هم بهتر و گسترده‌تر است و در مجموع تا سه سال قبل در ژاپن، بیش از ۲۷ هزار مدرسه وجود داشت (۵۱-۵۲).

اکتشافات و تولیدات صنعتی ارزان^۲، آزادی قلم و بیان^۳، بی‌نیازی از متخصصان خارجی^۴، تجارت آزاد و گسترده با غرب^۵، گسترش خطوط راه آهن^۶، برگزاری مستمر نمایشگاه‌های علمی - صنعتی در شهرهای بزرگ ژاپن^۷ و اهتمام به تورسم^۸.

تأکید مؤلف بر تبیین علل پیشرفت و ترقی ژاپن، نشان‌دهنده خردمندی و عقلانیت وی در تاریخ‌نگاری است^۹. ماطه‌وس می‌گوید هدفش از تاریخ‌نگاری، آگاه کردن مردم ایران

۱. وی برنامه مواد درسی مدارس ژاپن را این گونه می‌نویسد: اخلاق، تاریخ، جغرافیا، حساب و جبر، حیوان‌شناسی، گیاه‌شناسی، بهداشت، فیزیک، شیمی، علم الکتریک، نقاشی، موسیقی، ژیمناستیک، و زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسوی است (۵۳).

۲. او مدعی است گسترش اختراعات و اکتشافات و تولیدات صنعتی ارزان به‌حدی است که حتی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هم تعجب می‌کنند؛ برای نمونه در دهات ژاپن هم برق و توربین‌های آبی توسط خود ژاپنی‌ها ساخته و نصب شده؛ اما آمریکا و اروپا هنوز این گونه نیست (۵۴-۵۵).

۳ مثلاً می‌نویسد: «تا سال ۱۸۹۸ در این کشور ۸۲۹ روزنامه در کمال آزادی بیان منتشر می‌شد» (۵۷).

۴. ژاپنی در هیچ فن و دانشی محتاج بیگانه نیست (۵۳-۵۴) و عجیب نخواهد بود که تا چند وقت دیگر، اروپاییان برای تحصیل به ژاپن بیایند و این از سخت‌کوشی در راه علم و قناعت در امور مادی به‌دست آمده است (۵۷).

۵. مؤلف، تجارت آزاد و گسترش روابط با غرب را مهم‌ترین علل ترقی تجاری - اقتصادی ژاپن معرفی می‌کند (۶۴).

۶. می‌نویسد: امپراتور برای احداث راه آهن با شرکت‌های غربی، قرارداد بست و ایشان را ملزم کرد جوانان ژاپنی را هم‌زمان در این فن آموزش دهند؛ اما چون نتیجه لازم را ندید، اقدام به تأسیس مدارس عالی کرد که در آن، دانشجویان دو سال اول به مباحث نظری، دو سال بعد به مطالعات علمی و کار عملی (شش ماه درس و شش ماه کار در پروژه‌های راه آهن) و دو سال آخر صرفاً به کار عملی می‌پرداختند و همین امر، سبب گسترش راه آهن و ارزانی آن و کثرت استفاده عمومی از آن شد. در تمام ساعات شبانه‌روز، راه آهن با نظم و دقت و سرعت خدمات ارائه می‌کرد و طول خطوط آن، ۷۶۴۸ کیلومتر بود (۶۸-۷۰).

۷. در تمام شهرهای بزرگ، سالی دو بار نمایشگاهی از محصولات علمی و صنعتی برگزار می‌شود که به‌منزله آموزشگاهی برای بازدیدکنندگان آن است (۷۱).

۸. اهالی، انجمنی به‌نام «خوش آمدید» درست کردند برای سهولت گردش و تماشا و راهنمایی مسافران و خارجیانی که هر ساله بیشتر به ژاپن می‌آیند. این انجمن، مجانی خدمات ارائه می‌کند (۸۹).

۹. اساساً معنای تبیین همین عقل‌پسند کردن جریان وقایع تاریخی است. در تبیین، حداقل دو کار مهم باید صورت گیرد: نخست، اینکه حادثه تعلیل شود؛ دوم، اینکه ارتباط بین وقایع هم نشان داده شود. تبیین با این اقدامات بین حوادث پراکنده، ارتباط برقرار می‌کند و تشویش را به‌مدد عقل به اطمینان تبدیل می‌کند (مفتخری، ۱۳۸۹: ۴) و این، همان کاری است که ماطه‌وس در آن توفیق یافته است.

از علل و اسباب ترقی و پیشرفت است. او مهم‌ترین دلایل پیشرفت و ترقی ژاپن را روی آوردن مردم این کشور به علوم و صنایع جدید دانسته و نوشته است:

تا اگر ارباب خیرت و بصیرت به نظر عبرت در آن نگرند و ملاحظه نمایند که در این مدت قلیل، از برکت علوم و صنایع و اتفاق و اتحاد و کوشش و اقدامی که درباره وسایل ترقیات ملتی و دولتی خویش به‌جا آورده‌اند، چگونه محیرالعقول اهل عالم، و موجب رشک و تحسین و تمجید ابنای آدم گشته‌اند. این بنده خیرخواه باوجود کمی وقت و قلت فرصت، این زحمت را با خود روا داشتم به این امیدواری شاید هموطنان عزیزم، یعنی اهالی خطه ایران مینوشان سر از خواب غفلت برداشته، از این پس، دیده‌های فروخته را باز و جنبشی آغاز کنند و تاسی به همسایگان مترقی خود نمایند و عظمت و بزرگی اسلاف و پیشینیان نامدار خویش را به خاطر آورند و برای رسیدن به سربلندی و افتخار، و طلب شوکت و اقتدار گذشته خود، دست رجا به دامن عروۃ‌الوثقیای علوم و صنایع، و پای طلب در جاده مستقیم تمدن و تربیت گذارند تا مگر آب رفته را به جوی باز آرند (مقدمه کتاب، ۱-۲).

در همین سطور، ماطه‌وس به یکی دیگر از جنبه‌های تاریخ‌نگاری عقلانی هم توجه کرده که عبارت از فایده‌گرایی^۱ تاریخی است. وی نوشته است:

تا اگر ارباب خیرت و بصیرت به نظر عبرت در آن نگرند و ملاحظه نمایند که در این مدت قلیل از برکت علوم و صنایع و اتفاق و اتحاد و کوشش و اقدامی که درباره وسایل ترقیات ملتی و دولتی خویش به‌جا آورده‌اند...، به این امیدواری شاید هموطنان عزیزم، یعنی اهالی خطه ایران مینوشان سر از خواب غفلت

۱. فایده‌گرایان با فاصله گرفتن از تئوری‌های مشیت الهی و جبرگرایی تاریخی در تبیین حوادث و جریان‌های تاریخی به دنبال کشف علل واقعی و فایده‌مند کردن تحلیل‌های تاریخی‌شان هستند. از نظر ایشان، سراسر تاریخ، برابند کنش و واکنش رفتارهای انسانی است. از بُعد انسان‌شناسی، تاریخ به انسان می‌آموزد که کیست و گذشته‌اش را به فراموشی نمی‌سپارد، و از منظر تجربه‌آموزی، آموذورت دولت‌ها زمانی اهمیت دارد که سیاست‌های فاصله‌که امروزه نیز برای هدایت جامعه انسانی، مفید است، اتخاذ کنند و از این منظر، تاریخ، ارائه‌دهنده الگوهای عملیاتی شده زندگی فردی و جمعی است و از هر گونه خیال، اوهام و افسانه دور است (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۳).

برداشته، از این پس دیده‌های فروخته را باز و جنبشی آغاز کنند و تاسی به همسایگان مترقی خود نمایند (مقدمه کتاب، ۲).

از نظر نویسنده، ترقی تنها در سایه عقلانیت و رهایی از موهومات، امکان‌پذیر است؛ از همین روی، او با بیان برخی وجوه پیشرفت ژاپنی‌ها که مایه تعجب اروپاییان شده^۱، کوشیده است به تبیین عقلانی آن پردازد:

ترقی ژاپون و پیشرفتن او در تمام امور نه به واسطه زور و شمشیر و جنگ و کثرت قشون و سپاه شده است؛ بلکه مهم‌ترین دلیل چنین پیشرفت شگرفی ترک رسوم و عادات و موهومات قدیمه‌ای بود که این کشور را سرتاسر مستغرق تاریکی جهل و نادانی کرده بود (ص ۳).

ملیک یانس اصلی‌ترین دلیل پیشرفت و ترقی را رویکرد عقلانی حاکمان ژاپن و به‌ویژه امپراتور موتسو هیتو^۲ به غرب و الگوبرداری از ایشان برای گسترش علوم و فنون جدید، توسعه تجارت آزاد، شایسته‌سالاری، و ایجاد وفاق و وحدت ملی می‌داند که موجب هم‌گرایی دولت و ملت ژاپن شده و در سایه کار و تلاش مضاعف، به عمومی شدن میل به پیشرفت و تلفیق آن با آداب و سنن ژاپنی انجامیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. از جمله می‌نویسد:

در ژاپون از همه نوع صنایع و کارخانجات و راه‌های آهن کامل و کارخانجات کشتی‌سازی و غیره و کشتی‌های جنگی و تجارتی بسیار موجود و تمام شهرها و خیابان‌ها با چراغ الکتریک روشن می‌شوند. خیابان‌ها و کوچه‌ها تمام سنگ‌فرش و شسته، نظافت و تمیزی و پاکیزگی حتی در ادنا ده و قریه به منتها درجه کمال و مایه حیرت و آمال است. در علوم و فنون زراعتی از همه حیث، خود را به درجه کمال رسانیده‌اند و از بسیاری مدارس و مکاتب معموره و آباد می‌توان به‌جرت گفت که همه اهالی ژاپون از بزرگ و کوچک و فقیر و غنی، باسواد و باعلم‌اند و اشخاص بی‌سواد در آنجا کمتر دیده می‌شود (همان: ۲-۳).

۲. مؤلف با ذکر این مسئله که دوران امپراتوری «موت زو هی تو» را عصر «مه ایچی» نامیده‌اند، می‌نویسد: معنای آن به ژاپنی یعنی عصر ترقی و پیشرفت و ظهور تمدن (همان: ۱۲۷).

بر اساس آنچه وی می‌نویسد، امپراتور از آن مایه عقل بهره‌مند بود که با کنار گذاشتن آداب و تشریفات و سنن محدودکننده پیشین به میان مردم آید و در پی کشف راز ترقی و پیشرفت غرب و تبیین آن برای ملت خود باشد.^۱ نگاه این نویسنده به غرب نه ازسرتحیر و انفعال، بلکه از منظر آگاهی و نقد خردمندانه بود؛ از این روی، در سال ۱۸۶۸م. طی فرمانی به مردم، راه پیشرفت و ترقی را پیروی از نور عقل و علم و دانش اعلام کرد (همان: ۱۱۹) و افزود:

مردم مغرب‌زمین ما را دارای هیچ شرف نشناسند؛ پس شایسته چنان است که قدر عالم انسانیت را داشته و اندکی تعقل کنیم که اروپاییان که هم اول در وحشیگری و جهالت، مانند ما یا بدتر از امروزه ما بودند، به چه وسیله در این زمان، خود را به اعلا مدارج ترقی و تمدن رسانیده و در خوبی، انگشت‌نمای مردم روی زمین شده؛ تا به حدی که هر کس بخواهد کاری عقلانی را تمجید کند، این قدر کافی داند که بگوید: «فرنگیان چنین کنند» و حال آنکه ایشان هم علم و صنعتی مادرزاد ندارند که طبعاً بر دیگران رجحانی داشته باشند و این مقام بلند را جز به تحصیل علوم و صنایع کسب نکردند (همان: ۱۲۰-۱۲۱).

توجه مؤلف به نقاط ضعف تمدن غربی و عدم مصونیت کلی ایشان از خطا هم رویکردی عقلانی در تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود. او شیفته و متحیر تمدن غربی نیست که همه اعمال و افعال ایشان را نیک و مترقی حساب کند. ماطه‌وس به مدد عقل خویش دریافته است فرنگیان نیز علم و صنعت مادرزاد ندارند و از نظر نژادی نیز برتر از دیگر ملل نیستند. آنچه موجب برتری فعلی ایشان بر دیگر ملل و اقوام شده، تنها نیروی عقل و دانش است که به مدد آن و بهره‌مندی از صنعت و فناوری‌های نوین، ادعای سروری بر عالم دارند.

از نظر ملیک یانس حتی دین ژاپنی‌ها و جوه عقلانی دارد که سبب شده است رویکرد عمومی به پیشرفت و ترقی را تشویق کنند و رواج دهند. او در تعریف شینتوئیسم نوشته

۱. وی می‌نویسد: امپراتور که مقامی خدایی داشت و از انظار پنهان بود، با راهنمایی وزیر آزادی‌خواهش «اوکو» (همان: ۱۱۱-۱۱۴) (ایتو - خودم) به میان مردم آمد و راه‌های پیشرفت و ترقی ژاپن را گشوده شد (همان: ۱۱۵-۱۱۷).

است: «شینتوئی یعنی راه و روش خدایان، دین ملی ژاپن و برپایه کفایت عقل در تشخیص خوب و بد است. خدای ایشان آفتاب و نایب آن، امپراتور است» (همان: ۸۳). درباره علت رواج بودیسم هم او معتقد است عقلانی بودن مبادی و احکام آن، سبب اقبال عمومی به این آیین شده است: «دوسوم اهالی، دین بودایی دارند و دلیل کثرت ایشان عقلانی بودن مبادی و احکام این دین است» (همان: ۸۷).

عنایت مؤلف به تغییر اقتدار فرهمند و سنتی به اقتدار قانونی هم جالب توجه است. وی اساس پیشرفت ژاپن را در تغییر نظام امپراتوری به مشروطیت پارلمانی و بهره‌مند از خرد جمعی می‌داند و مشروطیت ژاپنی را برنامه‌ای منظم و براساس مطالعه به‌شمار می‌آورد که با الگوبرداری از نظام پارلمانی غرب، موفق شد هم به توزیع قدرت بپردازد و هم زمینه برای بهره‌مندی از خرد جمعی را در پرتو ایجاد نظامی قانونی فراهم آورد.^۱

۶. نتیجه‌گیری

نخبگان ایرانی در تلاش برای یافتن مدلی از پیشرفت، به ژاپن و تاریخ آن توجه کردند. پیروزی این کشور در نبرد با روسیه، موجی از احساسات و هیجانات عمومی را در ایران برانگیخت. این موج در خدمت جنبش ترقی‌خواهی ایرانیان قرار گرفت و برخی تاریخ‌نگاران ایرانی با تمسک به تحلیل‌های عقلانی درصدد کشف و تبیین علل پیشرفت و ترقی ژاپن برآمدند. نخستین کتاب درباره تاریخ ژاپن و گزارش پیشرفت‌های آن به زبان فارسی، درست در همین زمان، یعنی دو سال پیش از صدور فرمان مشروطیت در ایران منتشر شد. مؤلف این کتاب با بهره‌مندی از متدهای جدید تاریخ‌نگاری تلاش کرد با گذار

۱. وی می‌نویسد:

ترجمه کدهای ناپلئون، زمینه را برای قانون‌گرایی این کشور فراهم کرد و گشایش پارلمان آن را استوار ساخت. دو مجلس اعیان با ۳۰۰ نفر عضو از شاهزادگان و اشراف و نجبا که انتصابی هستند و مجلس نواب که ۳۶۹ نماینده اقشار مختلف مردم و انتصابی هستند، نظام پارلمانی ژاپن را شکل داد (همان: ۱۲۲-۱۲۳).

او تأکید می‌کند آزادی فکر و بیان، موجب مشارکت همگانی در خیر و صلاح کشور شد (همان: ۱۲۴) و عقلانیت سیاسی در سیاست خارجی و داخلی، پدیدار شد (همان: ۱۲۴-۱۲۵).

از توصیفات صرف، و درک علل واقعی و دلایل عقلانی پیشرفت، الگویی مناسب از ترقی را در اختیار ایرانیان قرار دهد. ماطاوس ملیک یانس ژاپن را الگویی مناسب و سازگار با فرهنگ شرقی برای پیشرفت و ترقی شمرد و تلاش کرد دلایل تاریخی آن را به مدد اصول عقلانی نظیر علیت، هویت، امتناع تناقض و غایت تبیین کند. در این الگو با بهره‌مندی از نقاط مثبت مدل‌های پیشرفت غربی به حفظ فرهنگ و سنن ملی تأکید شده بود و هم‌نخبگان ایرانی و هم طبقات سنتی قدرتمدار می‌توانستند آن را بپذیرند. ماطه‌وس با بررسی تاریخ ژاپن، مدلی از پیشرفت و ترقی این کشور را ترسیم کرد که می‌توانست هم‌زمان با تن دادن به تفکیک قوا و پذیرش نظام پارلمانی، به نظام سلطنتی مشروطه هم پایبند باشد و موجب وحشت شاه از اقدامات انقلابی ترقی خواهان نشود.

با مطالعه کتاب مملکت شمس طالع درمی‌یابیم مؤلف آن با تاریخ‌نگاری جدید آشنا بوده و با بهره‌گیری از تبیین‌های عقلانی، موفق شده است مدلی از طرح ژاپنی پیشرفت را ترسیم کند که در آن، تفکیک قوا، اقتدار عقلانی، قانون‌گرایی، کار و تلاش بی وقفه، نظم و انضباط آهین، آموزش علوم جدید، تجربه‌گرایی فایده‌گرایانه، و اهتمام به فناوری و اختراعات به عنوان عناصر اصلی پیشرفت مورد تأکید قرار گرفته است؛ در عین حال، توجه به آیین‌ها و سنن ملی، و دوری از وجوه ناپسند تمدن غربی، بهترین رویکرد ژاپنی‌ها برای مهار گسست و بحران‌های اجتماعی ناشی از نوسازی محسوب و به ایرانیان توصیه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- آدلر، فیلیپ جی. (۱۳۸۴). **تمدن‌های عالم**. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: امیرکبیر.
- اتکینسون، آر. اف. و دیگران (۱۳۹۲). **فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری**. ترجمه حسین علی نوزدی. ج ۳. تهران: طرح نو.
- استفورد، مایکل (۱۳۹۲). **درآمدی بر تاریخ پژوهی**. ترجمه مسعود صادقی. ج ۶. تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- اسکاچپول، تدا (۱۳۹۲). **بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی**. ترجمه سید هاشم آغاچری. چ ۲. تهران: نشر مرکز.
- بنه دیکت، روت (۱۳۷۱). **ژاپنی‌ها دارند می‌آیند: الگوهای فرهنگ ژاپنی**. ترجمه حسین افشین‌منش. تهران: امیرکبیر.
- بودن، ریمون و فرانسوا بوریکو (۱۳۸۵). **فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی**. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- بیزلی، ویلیام جی. (۱۳۹۳). **ظهور ژاپن مدرن: نگاهی به مشروطه ژاپنی**. ترجمه شهریار خواجهیان. تهران: ققنوس.
- پالمر، آلن دابلیو. (۱۳۸۷). **فرهنگ تاریخ معاصر: ۱۷۸۹-۱۹۴۵**. ترجمه عباس‌قلی غفاری فرد. تهران: نگاه.
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۶). «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی». **فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)**. س ۱۷. ش ۶۵.
- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۷۱). «ژاپن در چشم صحاف‌باشی». **مجله کِلک**. ش ۲۸.
- سپهر، عبدالحسین (۱۳۸۶). **مرآت‌الوقایع مظفری**. تحقیق و تصحیح عبدالحسین نوایی. ج ۲. چ ۱. تهران: میراث مکتوب.
- سلماسی‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری مهدی‌قلی هدایت: مطالعه موردی ترقی‌خواهی و تجددگرایی». **دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری**. س ۲۱. دوره جدید. ش ۷. پیاپی ۸۸. صص ۴۵-۶۵.
- عابدی، کامیار (۱۳۹۲). **منتخبی از ژانپنات ایرانیان در عصر تجدید**. چ ۱. تهران: جهان کتاب.
- فولکیه، پل (۱۳۶۶). **فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه**. ترجمه یحیی مهدوی. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- مرتون، اسکات (۱۳۶۴). **تاریخ و فرهنگ ژاپن**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: امیرکبیر.

- مفتخری، حسین (۱۳۸۹). «توصیف، تبیین و تفسیر در تحقیقات تاریخی». **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**. ش ۱۴۶.
- ملیک یانس، ماطه‌وس خان (۱۳۲۲ق). **مملکت شمس طالع یا دولت ژاپون**. طهران: مطبعة فاروس.
- یوشیدا، ماساهارو (۱۳۷۳). **سفرنامه یوشیدا ماساهارو**. ترجمه هاشم رجب‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
- Graham Macdonald and Cynthia Macdonald (2009). *Explanation in Historiography*, Blackwell Reference Online. *A Companion to the Philosophy of History and Historiography*. Edited by Aviezer Tucker. eISBN: 9781405149082.

